

۲۶ ۵۵۹

گپ

علی عسگری افشار



نشر کتاب مس

www.mesbooks.com

عسگری افشار، علی، ۱۳۵۷ -

گپ / ۹۶ ص.

تهران: کتاب مس، ۱۳۹۴.

ادبیات بی‌ربطی: ۱۰.

۹۷۸-۹۶۴-۷۳۸۰-۷۵-۱

داستان‌های کوتاه فارسی — قرن ۱۴

۱۳۹۴ ۱۳۲ کی/س / PIR۸۲۵۴

۸۵۳/۶۲

گپ

علی عسگری افشار

چاپ اول : پاییز ۹۴

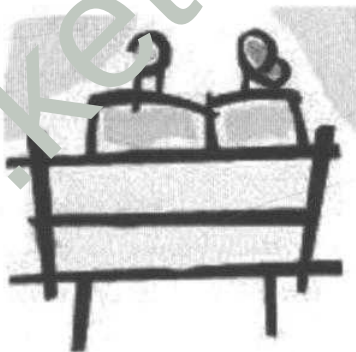
تیراژ : ۷۰۰

طراحی جلد : کارگاه مس

صفحه آرا : مختار زندگی

چاپ : نظر

سحافی : کیارش



حق چاپ و نشر محفوظ است

تلفن: ۴۴۶۵۹۰۳۵-۶

فهرست

«پیشگفتار»	۸
«ادوا موضوعی اقلیدس درباره‌ی خط و نقطه»	۱۱
«کاپشن و یالتو»	۱۹
«شرشاسی بزرگ»	۲۷
«پرسش و اندرومدا»	۳۶
«ملک مینو»	۴۷
«شش»	۵۶
«... ممتد... مقطع...»	۶۲
«طوفان در فنجان»	۶۸
«چاقو در آب»	۷۹
«اجسام از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند»	۸۸

«شگفتار»

وقتی ادوین هابل در ۱۹۲۹ اعلام کرد جهان در حال گسترش است، به ناگاه کائنات در نظر همه گام عمده‌تری در راستای گسترش بیشتری گرفت. نظریات جدیدی شکل گرفت در مورد وضعیت حال و آینده جهان، مدلی «کیهان باز» را پیشنهاد کردند که در آن، جهان در روندی صعودی، تا بی‌نهایت، گسترش می‌یابد. برخی هم به مدل «کیهان بسته» معتقد شدند که روند رو به گسترش دنیا، قوسی صعودی را پیموده در طی میلیون‌ها سال، تا به بالاترین میزان گستردگی برسد و سپس روند فشرده شدن را طی می‌کند. دنیا کوچک و کوچکتر می‌شود، گویا به دوران جنینی می‌گردد نطفه‌ای می‌شود. نقطه‌ای می‌شود، و در نهایت، شاید باز انفجار بزرگی رخ دهد و از آن یک دوره دنیای دیگری خلق شود.

حکایت دنیا، می‌تواند شبیه حکایت ما باشد. اگر این را در نظر بگیریم، درون کلی نامتناهی، گاهی فاصله‌ی خود را تا مبدا و منشاء حیات، بسیار دور می‌بینیم و گاهی، بسیار نزدیک می‌شویم. همچنین است روابط انسانی‌مان، درباره‌ی دور شدن‌ها و نزدیکی‌ها. شدن‌های مان گفتگو می‌تواند وسیله‌ای برای نزدیکی انسانها باشد هر چند فاصله‌ها به دور می‌مانند. گاه هم، گفتگو، خود عامل تشدید فاصله‌هاست و نه تنها ما را به درک مبدا و منشاء نمی‌رساند بلکه به سوء تفاهات دامن می‌زند ولی به هر حال به گپ زنی‌های مان ادامه می‌دهیم حتی اگر مطمئن باشیم که بی‌فوده است. شاید گاهی از اینکه قسمتی از وجودمان را برای لحظاتی عریان کنیم. احساس رضایت کنیم. مطمئن هستیم پوشش حفاظتی باز به دورمان تنیده می‌شود و شکنندگی‌مان را می‌پوشاند. هر چند امروزه، به سمت مجازی‌تر شدن رابطه‌ها

پیش می‌رویم و کمتر روبروی هم می‌نشینیم تا جملات واقعی بگوییم ولی کماکان چت می‌کنیم و گپ می‌زنیم.

گپ یا گپ در فرهنگ معین، به معنای سخن، کلام، سخن لاف و گزاف، سخن بیهوده و دراز، آمده است.

در فرهنگ حسین، gab به پیچ و پیچ و پرگویی معنا شده و gab به لطمه، وقفه، شکاف، رخنه، چاک، سینه، جای باز و فاصله معنا شده. شاید واژه‌ی gab از زبان انگلیسی وارد فرهنگ فارسی ریانان شده و به صورت «گپ» رواج پیدا کرده [واژه gab در فرهنگ آکسفورد، خرافی و سخن بی معنا است].

یکی از معانی gab در فرهنگ معین، شکاف و گسل است (مثلا بازشدگی در میان دیوار یا فنس، معنی‌ای که از آن سیماط می‌شد شکافی کوچک و جزئی است که شاید پوشاندن یا پرکردنش سخت نباشد یا اصلاً ایجاد روزنه‌ای در رابطه‌ای سخت، معنا بدهد) گپ زدن هم گذران کم دردسر اوقات است. شکاف‌ها بین انسان‌ها را پر نمی‌کند و در عین حال، در دیواری که هر انسانی به دور خود می‌کشد، شکاف‌هایی برای نفوذ عقاید و سلاقی دیگر، ایجاد می‌کند.

منظور از این پرگویی‌ها (که اتفاقاً یکی از معناهای گپ سم، روه درانی است!) رسیدن به این نتیجه است که گاه کلمه‌ای در فرهنگی ممکن است معنای متفاوتی با مشابه لفظی آن کلمه در فرهنگ دیگری داشته باشد یا مفاهیم گوناگونی در کلمه‌ای ساده نهفته باشد که بستگی دارد در کجا مورد استفاده قرار گیرد. در فرهنگ آکسفورد، هم انتراست بین دو برنامه معنا شده [شبیه سکوتی که بین دو اظهار نظر، برقرار می‌شود تا دو نظر را به هم ارتباط دهد] و هم تفاوت زیاد بین عقاید «(a wide difference in idea).

جالب است که واژه‌ی گپ (در فرهنگ آندراج و دیگر فرهنگ‌های فارسی)، به معنای «بزرگ»، ذکر شده که در فرهنگ مناطق مختلف ایران، از بروجرد و ملایر تا بلوچستان،

این کلمه (در معنای گنده و بزرگ و ضخیم) کاربرد دارد. [مثلا در بلوچستان، نوعی دهل بزرگ را «گپ دهل» می‌خوانند.]

قصد ریشه‌یابی لغوی واژه‌ی عنوان این مجموعه را نداشتم فقط می‌خواستم به مفاهیم گاه متضاد یک واژه اشاره کرده باشم. سعی کرده‌ام لااقل از یکی از معانی گپ (سخن بیهوده و بی‌معنی) در ترکیب داستان‌ها، پرهیز کنم!

امیدوارم داستان‌ها به ایجاز بیان شده باشند و به ورطه‌ی پرگویی نیفتاده باشند و حکم گپی ساده را داشته باشند که راوی، با خود، با مخاطبی ناشناس با دوستی شفیق یا حتی با شیء بی‌جان داشته است. داستان‌هایی درباره‌ی پیوندها و گسست‌ها، درباره‌ی نقاط اشتراک یا افتراق مان. گاه عین شد با واقعیات علمی، در لابلای حکایات روزمره ما. فرمول‌هایی که می‌توانند گاه به معنای غریب‌ستقیم، الگوهای رفتاری ما را نشان دهند.

به هر حال مضمون این داستان‌ها تلاش برای رسیدن به تفاهمی نسبی، در ورای روابط پیچیده‌ی امروزی‌مان است. رسیدن به تفاهم که گاه، بسیار دشوار می‌نماید. می‌شود آن را تا رابطه‌ی نویسنده با مخاطب هم تعمیم داد!